



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

▪ مقاله کاری شماره (۶) / اردیبهشت ۱۳۹۲

▪ حاکمیت شرکتی، نظارت و مقررات احتیاطی در موسسات مالی اسلامی: گزارش پنجمین روز  
مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی

▪ حسین میسمی\*

▪ کلمات کلیدی: نظارت شرعی، مقررات احتیاطی، موسسات مالی اسلامی، ربا، بانک اسلامی.

▪ طبقه‌بندی L87, O10, O16, Z10-JEL.

---

\*کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

## پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، روبروی پارکینگ بیهقی، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

[www.mbri.ac.ir](http://www.mbri.ac.ir)

▪ دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی‌کند.

▪ کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می‌باشد، لیکن استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

## حاکمیت شرکتی، نظارت و مقررات احتیاطی در موسسات مالی اسلامی:

### گزارش پنجمین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی

زمان: چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۱

مدرس: دکتر رونالد رولیندو (عضو انجمن خدمات مالی اسلامی (IFSB))

تهیه و تنظیم: حسین میسمی

مقدمه

آخرین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی به موضوع حاکمیت شرکتی، نظارت و مقررات احتیاطی اختصاص یافت. استاد مدعو برای این موضوع، دکتر رونالد رولیندو (عضو هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB)) بودند که در سخنرانی خود تلاش نمودند تا ابعاد حاکمیت شرکتی و مقررات گذاری احتیاطی بر موسسات مالی اسلامی را برجسته نمایند. تاکید ایشان در این جلسات، بیشتر مرور استانداردهای تهیه شده توسط هیئت خدمات مالی اسلامی در موضوعات گوناگون بود. در ادامه به صورت مختصر به مباحث مطرح در نشست‌های این روز اشاره می‌شود.



## بخش اول: معرفی هیئت خدمات مالی اسلامی

ارزیابی تجارب بین‌المللی در زمینه قانون‌گذاری و تبیین شیوه‌های صحیح نظارت بر بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی در سطح بین‌المللی، به خوبی نشان دهنده آن است که در دهه اخیر، برخی موسسات اقدام به ارائه اصول احتیاطی، دستورالعمل‌ها، استانداردها و بیان شیوه‌های مناسب عملیاتی‌سازی نظارت بر موسسات مالی اسلامی نموده‌اند. مهمترین هدفی که ارائه‌کنندگان این استانداردها و اصول برای خود در نظر گرفته‌اند، یکسان‌سازی و یا حداقل مشابه‌سازی تجربه نظارتی بر موسسات مالی اسلامی و استخراج بهترین تجارب<sup>۱</sup> می‌باشد. به عبارت دیگر این موسسات تلاش می‌کنند بهترین شیوه‌های اجرایی نمودن نظارت بر موسسات مالی اسلامی را استخراج نموده و جهت اجرا به مقامات ناظر بر بازارهای پول و سرمایه در کشورهای مختلف اسلامی ارائه نمایند. یکی از این موسسات هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB)<sup>۲</sup> می‌باشد.

هیات خدمات مالی اسلامی متشکل از مجموعه‌ای از بانک‌های مرکزی و سازمان‌های نظارتی است که مقر آن در کشور مالزی می‌باشد. این هیات در سال ۲۰۰۲ میلادی تشکیل شده و هدف آن تهیه استانداردها و رهنمودهای لازم برای تقویت سلامت و ثبات مالی در موسساتی است که خدمات مالی خود را در چارچوب احکام شرعی اسلام ارائه می‌دهند. از دیدگاه این مرکز موسسات مالی اسلامی حداقل شامل بانک‌ها و موسسات اعتباری (بازار پول)، بازار سرمایه و شرکت‌های بیمه‌گر می‌باشند. با این تعریف، وظیفه و کارویژه هیات خدمات مالی اسلامی، تکمیل کردن استانداردها و اصول کمیته بال برای بانک‌ها و

---

<sup>۱</sup>. Best practice

<sup>۲</sup>. The Islamic financial services board



مؤسسات مالی اسلامی می‌باشد. به عبارت دیگر، این موسسه بخش‌های مرتبط با بانکداری اسلامی را به دستورالعمل‌های متعارف می‌افزاید. در این شرایط مؤسسات مالی اسلامی می‌توانند در کنار استفاده از رهنمودهای بال، از رهنمودهای هیات خدمات مالی اسلامی نیز بهره ببرند.

هیئت خدمات مالی اسلامی در حال حاضر دارای ۱۸۷ عضو از کشورهای مختلف می‌باشد که بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی، نهادهای قانون‌گذار بازار پول و ناظران و قانون‌گذاران بازار سرمایه برخی از اعضای این موسسه را تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار هر دو عضو هیئت خدمات مالی اسلامی می‌باشند. نشست‌های هیئت خدمات مالی اسلامی به صورت سالانه در یکی از کشورهای عضو برگزار می‌گردد. آخرین اجلاس هیات خدمات مالی اسلامی، شامل جلسه شورای عالی، جلسه مجمع عمومی، انجمن ثبات مالی اسلامی و سخنرانی عمومی، در سال ۱۳۹۰ و در شهر امان، پایتخت اردن، برگزار گردید. نمایندگانی از کشورهای ایران، اردن، امارات متحده عربی، اندونزی، پاکستان، بحرین، بروئی، تانزانیا، عربستان سعودی، سودان، سوریه، قطر، کویت، مالزی، مصر، سنگاپور و بانک توسعه اسلامی در این جلسه حضور داشتند.

به لحاظ محتوا، هیئت خدمات مالی اسلامی در یک دهه فعالیت خود توانسته است محصولاتی کاربردی برای مؤسسات مالی اسلامی تولید نماید. مجموعه فعالیت‌های این موسسه در قالب ۱۹ استاندارد<sup>۱</sup>، اصول راهنما<sup>۲</sup> و نکات فنی<sup>۳</sup> ارائه شده است. عناوین برخی از این استانداردها عبارت است از: استانداردهای

---

<sup>1</sup>. Guiding principles on Sharia governance system for institutions offering Islamic financial services

<sup>2</sup>. Guiding Principles

<sup>3</sup>. Technical Note



مدیریت ریسک، استانداردهای کفایت سرمایه، استانداردهای حاکمیت شرکتی، استانداردهای شفافیت، اصول راهنمای حاکمیت شرکتی برای مؤسسات بیمه اسلامی و غیره.

## بخش دوم: اصول راهنمای مدیریت ریسک برای مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی<sup>1</sup>

یکی از نخستین استانداردهایی که توسط هیئت خدمات مالی اسلامی ارائه گردیده است، اصول راهنمای مدیریت ریسک می باشد. هدف از این استاندارد آن است که مقررات احتیاطی لازم در زمینه شناسایی و مدیریت ریسک های مؤسسات مالی اسلامی را برجسته نماید. اساسی ترین پیش فرضی که در تدوین این استاندارد مورد توجه قرار گرفته است این موضوع است که هر چند در برخی حوزه ها ریسک های مؤسسات مالی اسلامی و متعارف با یکدیگر یکسان است و تفاوتی ندارد، اما مؤسسات مالی اسلامی به دلایل گوناگون، به ویژه استفاده از عقود مختلف اسلامی در بخش تجهیز و تخصیص منابع با ریسک های خاصی مواجه هستند که لازم است تدابیر مدیریتی مشخصی برای این دسته از ریسک ها نیز اندیشیده شود.

با توجه به آنچه مطرح شد، استاندارد مدیریت ریسک ارائه شده توسط هیئت خدمات مالی اسلامی، تلاش می کند تا اصولی را به منظور شناسایی و مدیریت صحیح ریسک در مؤسسات مالی اسلامی ارائه دهد. این استاندارد بدین منظور، پانزده اصل اساسی و بنیادین در مقوله مدیریت ریسک در مؤسسات مالی اسلامی ارائه می دهد. ویژگی اصلی این استاندارد آن است که اولاً مکملی برای استانداردهای متعارف مدیریت ریسک می باشد و ثانیاً در بانک های تجاری، تخصصی، بانک های سرمایه گذاری و غیره نیز قابل استفاده

<sup>1</sup>. GUIDING PRINCIPLES OF RISK MANAGEMENT FOR INSTITUTIONS OFFERING ONLY ISLAMIC FINANCIAL SERVICES



است. در این استاندارد اصول مشخصی برای مدیریت ریسک در یک موسسه مالی اسلامی مورد توجه قرار گرفته که در ادامه به بیان این استانداردها پرداخته می‌شود<sup>1</sup>:

**اصل اول:** لازم است موسسه مالی اسلامی فرآیند دقیق، جامع و مشخصی به منظور درک ریسک‌هایی که موسسه با آن مواجه است طراحی و اجرا نماید. هدف این تدابیر شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی، گزارش‌دهی و نهایتاً کنترل<sup>2</sup> ریسک‌ها می‌باشد. پس از طی این مراحل، در صورت نیاز لازم است سرمایه لازم برای مدیریت این ریسک‌ها در نظر گرفته شود.

**اصل دوم:** لازم است موسسه مالی اسلامی در شرایطی که احتمال ایجاد ریسک اعتباری<sup>3</sup> را می‌دهد، راهبردی جهت مدیریت آن با استفاده از عقود مختلف اسلامی اتخاذ نماید.

**اصل سوم:** لازم است موسسه مالی اسلامی، قبل از آنکه با مشتری خود عقدی منعقد نماید، اطلاعات کافی در رابطه با سابقه اعتباری وی و همچنین وضعیت ریسکی که دارد کسب نماید.

**اصل چهارم:** لازم است موسسه مالی اسلامی دستورالعمل و روشی معقول برای سنجش و محاسبه میزان ریسک اعتباری موجود در هر یک از عقود اسلامی در اختیار داشته باشد.

---

<sup>1</sup> . یادآور می‌شود سخنران این جلسه، قبل از ورود و بحث در رابطه با اصول هیئت خدمات مالی اسلامی در مقوله مدیریت ریسک، به بیان تعاریف<sup>1</sup> انواع مختلف ریسک‌ها پرداختند که با توجه به اینکه در سخنرانی روز قبل به صورت مبسوط به این موضوع پرداخته شده است، از بیان مجدد آن‌ها خودداری می‌شود.

<sup>2</sup> . identify, measure, monitor, report and control

<sup>3</sup> . ریسک اعتباری به خطری تعبیر می‌شود که بر اساس آن گیرنده تسهیلات قادر به پرداخت اصل و فرع تسهیلات یا تعهد خود طبق شرایط مندرج در قرارداد نباشد و یا در بازپرداخت تسهیلات نکول نماید.



**اصل پنجم:** لازم است موسسه مالی اسلامی، راهبردی مناسب جهت مدیریت ریسک و گزارش‌دهی عقود مشارکتی‌ای که مورد استفاده قرار می‌دهد (مانند مضاربه، مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی، مزارعه، مساقات و غیره) در اختیار داشته باشد.

**اصل ششم:** لازم است موسسه مالی اسلامی در هنگام عقد عقود مشارکتی با مشتریان خود، استراتژی خروج<sup>1</sup> مشخصی برای خود در نظر بگیرد به نحوی که بتواند در زمان مناسب تسهیلات پرداختی را آزاد نماید.

**اصل هفتم:** لازم است موسسه مالی اسلامی چارچوب مشخصی برای مدیریت ریسک تمامی انواع مختلف دارائی‌هایی که دارد در اختیار داشته باشد.

**اصل هشتم:** لازم است موسسه مالی اسلامی چارچوب مشخصی جهت مدیریت ریسک نقدینگی در رابطه با تمامی حساب‌هایی که دارد (چه حساب‌های قرض‌الحسنه‌ای و چه حساب‌های وکالتی) در اختیار داشته باشد.

**اصل نهم:** لازم است موسسه مالی اسلامی الگوی جامعی جهت سنجش، پایش، اندازه‌گیری و مدیریت ریسک‌هایی که از عوامل بازاری نشات گرفته و نرخ‌های سود انتظاری را تحت تاثیر قرار می‌دهند در اختیار داشته باشد.

---

<sup>1</sup>. exit strategies





## بخش سوم: اصول راهنمای حاکمیت شرکتی در موسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی<sup>۱</sup>

یکی از موضوعات مهمی که توسط هیئت خدمات مالی اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، مقوله حاکمیت شرکتی در موسسات مالی اسلامی می‌باشد. قبل از ورود در استانداردهای حاکمیت شرکتی، مناسب است کلیاتی در رابطه با این موضوع ارائه شود. اگر بخواهیم در مورد خود اصطلاح «حاکمیت شرکتی» توضیح دهیم، باید عنوان کنیم که این اصطلاح تنها در طی دو دهه اخیر برجسته گردیده و لذا گرچه حجم قابل توجهی از ادبیات در رابطه با این موضوع به وجود آمده است، اما باز هم تمامی پی‌آمدها و نتایج آن، به طور کامل توضیح داده نشده‌اند. همچنین باید اشاره داشت که این اصطلاح به روش‌های مختلفی تعریف شده است، که هر یک از این تعاریف به مرکز توجهات<sup>۲</sup> تعریف کننده بستگی دارد.

به عنوان نمونه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۳</sup>، این اصطلاح را بدین صورت تعریف کرده است: «مجموعه روابطی که بین مدیر، هیئت مدیره، سهامداران و دیگر افرادی که در شرکت ذینفع می‌باشند وجود دارد». باید گفت این تعریف که به لحاظ ارزشی خنثی به نظر می‌رسد<sup>۴</sup>، در عرف متعارف علم اقتصاد و مالی مطرح گردیده و به هدف حاکمیت شرکتی (که لازم است ارزشگرا باشد) اشاره‌ای نمی‌کند. اما آقای

---

<sup>1</sup>. GUIDING PRINCIPLES OF CORPORATE GOVERNANCE

<sup>2</sup>. center of concern

<sup>3</sup>. The Organization for Economic Cooperation and Development

<sup>4</sup>. value neutral



والفنسن<sup>۱</sup> (رئیس سابق بانک جهانی)، قدمی فراتر رفته و بیان می‌کند که هدف حاکمیت شرکتی «عدالت، شفافیت و پاسخگویی»<sup>۲</sup> است؛ که از این تعریف این طور برداشت می‌شود که هدف حاکمیت شرکتی تضمین «عدالت» در رابطه با تمامی افرادی است که ذینفع می‌باشند؛ و این خود از طریق ایجاد شفافیت و پاسخگویی بیشتر بدست می‌آید.

از طرفی، واضح است که در موسسات مالی اسلامی، بازیگران و ذینفعان متعددی وجود دارند. این مطلب خود این سوال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا تامین منافع تمامی این ذینفعان ضروری است؟ اگر در جستجوی جواب به این سوال، مروری بر ادبیاتی که در رابطه با این موضوع در دنیای غرب موجود است، داشته باشیم، به این نکته پی خواهیم برد که دانشگاهیان غربی در بحث خود در رابطه با این سوال به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول مدل انگلیسی-آمریکایی<sup>۳</sup> حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار می‌دهند؛ مدلی که منحصرا بر روی بیشینه سازی ارزش سهام سهامداران تمرکز می‌کند. در واقع طبق این مدل، در صورتی که هدف بیشینه سازی ارزش سهام سهامداران، با منافع دیگر ذینفعان تعارض پیدا کند، لازم است منافع دیگر ذینفعان نادیده انگاشته شود.

اما در مقابل گروه دوم مدل فرانسوی-آلمانی<sup>۴</sup> حاکمیت شرکتی را در نظر می‌گیرند؛ مدلی که حداقل به لحاظ تئوریک، همان میزان توجهی که مدل اول (در رابطه با بیشینه سازی ارزش سهام سهامداران) به خرج

---

1. Wolfensohn

2. accountability

3. Anglo-American

4. Franco-German



می‌داد را در رابطه با حمایت از منافع دیگر ذینفعان به خرج می‌دهد. به هر حال باید اشاره داشت این مطلب که آیا حاکمیت شرکتی در آمریکا، در عمل نیز به همان دقتی که در تئوری مذکور است، با منافع سهامداران هم تراز و موافق است، مورد تردید می‌باشد. همچنین این مطلب که آیا مدل فرانسوی-آلمانی حاکمیت شرکتی در عمل نیز، به همان اندازه که در تئوری ادعا شده، منافع غیر سهامداران را مورد حمایت قرار می‌دهد، نیز مورد تردید است.

به نظر می‌رسد در نظام ارزشی اسلامی که حداکثر اهمیت را به تحقق عدالت و انصاف می‌دهد، مسلماً نمی‌توان تنها هدف را حمایت از سهامداران مطرح ساخت بلکه لازم است به منافع سایر ذینفعان حاکمیت شرکتی، از جمله سپرده‌گذاران، مشتریان، کارمندان موسسه، دولت و حتی جامعه توجه شود.

اساس حاکمیت شرکتی در موسسات مالی اسلامی، بر مبنای تامین حقوق ذینفعان مختلف تمرکز می‌یابد. در سطحی بالاتر می‌توان عنوان نمود که مهمترین صاحب حق در نظام تامین مالی اسلامی خود اسلام است و اگر بانک‌های اسلامی به خوبی فعالیت نکنند و عملکرد آن‌ها به هر دلیل با تعالیم اسلامی سازگاری کافی نداشته باشد، آن‌هایی که خیال می‌کنند نظام اسلامی دیگر در دنیای امروزین جوابگو نیست، سعی در سرزنش اسلام آن‌هم به دلیل عملکرد ضعیف این موسسات می‌نمایند؛ در حالی که این عملکرد ضعیف ربطی به خود اسلام ندارد.

یکی از تفاوت‌های اصلی حاکمیت شرکتی در چارچوب اسلامی با حاکمیت شرکتی متعارف، در مقوله حمایت از سپرده‌گذاران است. در بانکداری متعارف (تحت هر دو مدل معمول حاکمیت شرکتی یعنی مدل‌های انگلیسی-آمریکایی و فرانسوی-آلمانی)، خیلی خوب به حقوق سهامداران توجه می‌شود. اما



معمولا به حقوق سپرده‌گذاران (کسانی که منافع آنها نیز همانند سهامداران در خطر می‌باشد) توجه زیادی نمی‌شود. علت این امر نیز آن است که در بانکداری متعارف، تمامی سپرده‌ها تضمین شده‌اند و نرخ بازده نیز از قبل مشخص است. اما بدان دلیل که در نظام اسلامی، دارندگان حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری در سود و زیان شریک می‌باشند، لذا نیاز است که منافعشان مورد حمایت واقع شود.

هدف تامین منافع تمامی ذینفعان (منافعی که خود بعضا با هم متعارض‌اند) سبب می‌گردد که توجه به نقش بسیار مهم حاکمیت شرکتی در موسسات مالی اسلامی ضروری گردد. مهمترین مسئله در ایفای این نقش، ایجاد تعادلی عادلانه بین ذینفعان مختلف است؛ آن هم از طریق ایجاد گستره وسیعی از قوانین، استانداردها و قیود، که می‌توانند رسمی یا غیر رسمی باشند. قوانین، استانداردها و قیودی که هدفشان هدایت و کنترل موسسه مالی اسلامی به روشی است که منافع تمامی ذینفعان را، با هزینه‌ای نسبتا پایین تضمین کند.

یکی از نکات مهم در مقوله حاکمیت شرکتی در چارچوب اسلامی، توجه به ارزش‌های اخلاقی در کنار قانون‌گذاری می‌باشد. در واقع امر، این ارزش‌ها هستند که به ایجاد میل درونی در افراد در جهت تحقق بخشیدن به وعده‌ها<sup>1</sup> و قراردادهای منجر می‌گردند و در صورت عدم وجود چنین ارزش‌هایی و همچنین نبود مکانیسمی که افراد را در زمینه اطاعت از این ارزش‌ها تشویق کند، هزینه اجرای قراردادها و وعده‌ها افزایش خواهد یافت و اجرای نظم بازاری کند خواهد شد. شاید به همین دلیل است که در ادبیات فقهی، از عقود

---

<sup>1</sup>. promises



مانند وکالت، مضاربه و مشارکت به عنوان عقود امانی (عقودی که بر اعتماد و امانتداری طرفین استواراند) یاد می‌شود.

پس از این مباحث مقدماتی، شاید مناسب باشد که برخی از اصول حاکمیت شرکتی که توسط هیئت خدمات مالی اسلامی تهیه و به موسسات علاقه‌مند به اجرای آن ارائه شده است، اشاره شود. درک صحیح این اصول، زمینه اجرایی‌سازی الگوی حاکمیت شرکتی مناسب در موسسات مالی اسلامی را فراهم می‌کند.

**اصل اول:** موسسات خدمات مالی اسلامی می‌بایست چارچوب حاکمیتی جامعی برای خود تعریف نمایند که در آن نقش‌ها و وظایف راهبردی هر یک از عناصر حاکمیتی مشخص گشته و فرآیندهایی نیز برای ایجاد پاسخگویی عادلانه موسسات در قبال تمامی ذینفعان در نظر گرفته شود.

**اصل دوم:** موسسات مالی اسلامی باید اطمینان حاصل کنند که گزارشگری اطلاعات مالی و غیرمالی آن‌ها مطابق با استانداردهای شناخته شده بین‌المللی حسابداری موسسات مالی اسلامی می‌باشد.

**اصل سوم:** لازم است موسسات مالی اسلامی، حقوق صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری در زمینه پایش دائمی عملکرد موسسه مالی را به رسمیت شناخته و ابزار کافی برای تضمین اعمال این حقوق در نظر بگیرند.

**اصل چهارم:** مناسب است موسسات مالی اسلامی، راهبرد سرمایه‌گذاری صحیحی را متناسب با انتظارات ریسک و بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری اتخاذ نموده و در خصوص تعدیل هر نوع بازده نیز با شفافیت عمل نمایند.



**اصل پنجم:** لازم است موسسات مالی اسلامی مکانیزم مناسبی جهت دستیابی به دیدگاه متخصصین

شریعت در رابطه با تمامی محصولات، عملیات و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، در اختیار داشته باشد.

**اصل ششم:** لازم است موسسه مالی اسلامی خود را ملتزم به اجرای دقیق تمامی اصول و احکام شریعت

که توسط متخصصین مرتبط ارائه می‌شود نماید. همچنین لازم است موسسه این مقررات را در اختیار عموم قرار دهد.

**اصل هفتم:** لازم است موسسات مالی اسلامی اطلاعات مرتبط و اساسی در خصوص حساب‌های

سرمایه‌گذاری که مدیریت می‌نمایند را به صورت کافی و به موقع جهت استفاده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و عموم مردم افشا کنند.

**بخش چهارم: اصول راهنمای حاکمیت شرعی (نظارت شرعی) در موسسات ارائه دهنده خدمات**

#### مالی اسلامی<sup>1</sup>

یکی از موضوعات مهم دیگری که مورد توجه هیئت خدمات مالی اسلامی قرار گرفته است، مسئله

حاکمیت و یا نظارت شرعی می‌باشد. همان‌طور که قبلاً ذکر گردید، بانک‌های اسلامی با توجه به ماهیتی که

دارند، لازم است به صورت پیوسته به اسلامی بودن عملکرد خود توجه نموده و تلاش کنند آن را ارتقا

---

<sup>1</sup>. Guiding principles on Sharia governance system for institutions offering Islamic financial services



بخشند. دو مورد مباحث مهم و مرتبطی که در زمینه حاکمیت شرعی در موسسات مالی اسلامی قابل طرح می‌باشد، مسئله «ریسک شریعت»<sup>۱</sup> و ضرورت «نظارت شرعی»<sup>۲</sup> است.

هر چند این اصطلاحات بیش از یک دهه قدمت در ادبیات بانکداری و مالی اسلامی دارد، اما شاید نتوان تعریف دقیق و جامعی از آن‌ها ارائه نمود. به هر حال با استفاده از منابع موجود، می‌توان ریسک شریعت را اینگونه تعریف نمود: «ریسک شریعت، خطری است که نظام بانکی به دلیل عدم انطباق فعالیت‌هایش با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام، ممکن است با آن مواجه شود». متناسب با این تبیین از ریسک شریعت، نظارت شرعی نیز به این صورت قابل تعریف است: «نظارت شرعی کلیه اقدامات احتیاطی و نظارتی به منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا موسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام می‌باشد. هدف از این نظارت در نهایت دستیابی به اقدامات، فعالیت‌ها، تدابیر، اصول و روش‌هایی است که به وسیله آن‌ها بتوان ریسک شریعت در نظام بانکی (به طور عام) و یا یک موسسه مالی و یا بانک اسلامی (به طور خاص) را حداقل نمود و یا کاهش داد».

هیئت خدمات مالی در زمینه حاکمیت شرعی، استاندارد جامعی ارائه نموده و تلاش کرده است اصول احتیاطی مرتبط را ارائه نماید. عنوان اصلی این مجموعه که دهمین استاندارد ارائه شده توسط موسسه می‌باشد عبارت است از: «اصول راهنمای نظارت شرعی برای موسسات ارائه کننده خدمات مالی اسلامی». این مجموعه شامل ۹ اصل راهنما در نظارت شرعی می‌باشد که خود در قالب پنج بخش ارائه می‌شوند.

---

<sup>1</sup>. Shariah risk

<sup>2</sup>. Shariah supervision or Shariah Governance



بخش اول استاندارد نظارت شرعی، کلیات نظام نظارت شرعی در یک بانک یا موسسه مالی اسلامی را مورد بحث قرار داده و اصول عمومی که لازم است در تشکیل شورای شریعت (شورای فقهی) در این دسته از موسسات رعایت شود را بیان می‌کند. بخش دوم استاندارد، به مقوله انتخاب اعضای شورای شریعت پرداخته و به طور خاص به ارائه اصول مرتبط با وجود شایستگی در افراد منتخب اشاره می‌نماید. بخش سوم به مسئله استقلال عمل شورای فقهی پرداخته و اصولی را در این رابطه ارائه می‌نماید. اصول مرتبط با حفظ امانت و محرمانه بودن فعالیت شورای فقهی بانک یا موسسه مالی، بخش چهارم استاندارد را تشکیل می‌دهد و در نهایت بخش پنجم، به مقوله وجود سازگاری در عملکرد شورای شریعت می‌پردازد. در ادامه به اصول مطرح شده در این استاندارد اشاره می‌شود.

**اصل اول:** ساختار نظارت شرعی که توسط هر بانک یا موسسه مالی اسلامی اتخاذ می‌گردد، لازم است متناسب با اندازه، پیچیدگی و طبیعت فعالیت‌هایش باشد. به عبارت دیگر، هیچ مدل واحد و یگانه‌ای از نظارت شرعی که به درد تمامی موسسات، در کشورها و ساختارهای مختلف بخورد، وجود ندارد (هر کشوری باید الگوی خاص خود را استخراج و اجرا نماید).

**اصل دوم:** تمامی موسسات مالی اسلامی که اقدام به تاسیس شورای فقهی نموده‌اند باید در رابطه با

موارد ذیل اطمینان کسب نمایند:

- اعضای شورای فقهی در رابطه با اختیارات و مسئولیت‌هایی که دارند، از شایستگی‌های لازم

برخوردارند.





• فرآیند اجرایی نظارت شرعی در موسسه به صورت شفاف مشخص گردیده و شیوه گزارش دهی نیز معین می‌باشد.

• اعضای شورای فقهی با مسائل مرتبط با اخلاق حرفه‌ای آشنایی مناسبی دارند.

**اصل سوم:** لازم موسسه مالی اسلامی تضمین نماید که تمامی اعضای در نظر گرفته شده برای انجام وظیفه نظارت شرعی (اعضای شورای فقهی) واجد ویژگی‌های مشخصی بوده و از شایستگی کافی برخوردارند.

**اصل چهارم:** لازم است ارزیابی رسمی نسبت به عملکرد شورای فقهی به عنوان یک کل و همچنین میزان مشارکت هر یک از اعضای شورای فقهی در بالا بردن کارایی این شورا وجود داشته باشد.

**اصل پنجم:** لازم است شورای فقهی نقش خود را به صورت «مستقل» ایفا نماید. به طوری که بتواند تصمیماتی که در رابطه با موضوعات مرتبط با شورای فقهی می‌گیرد را به صورت مناسبی اجرایی نماید. هیچ فرد یا گروهی نباید اجازه داشته باشد تا نظرات خود را بر دیدگاه‌های شورای فقهی تحمیل نماید.

**اصل ششم:** لازم است مدیریت موسسه به صورت پیوسته، زمینه دستیابی اعضای شورای فقهی به اطلاعات کامل، دقیق و به موقع در رابطه با عملکرد موسسه را فراهم نمایند. مناسب است اطلاعات مورد نیاز، قبل از تشکیل جلسات در اختیار اعضای شورای فقهی قرار گیرد.

**اصل هفتم:** لازم است اعضای شورای فقهی مطمئن گردند که اطلاعاتی که به منظور انجام وظیفه نظارتی خود از موسسه مالی اسلامی دریافت می‌دارند، به صورت محرمانه نگهداری خواهد شد.



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اصل هشتم: لازم است موسسه مالی اسلامی در زمان ارائه احکام شرعی در رابطه با موضوعات گوناگون، چارچوب های قانونی و حقوقی کشوری که در آن به فعالیت است را در نظر داشته باشد. همچنین، لازم است موسسه مالی اسلامی مطمئن گردد که اعضای شورای فقهی نیز به میزان کافی به چارچوب های مذکور عنایت دارند .